

پا در «کفش» تاریخ

این که بگوییم چه کسانی یا فرهنگ‌ها و کشورهایی اولین استفاده‌کنندگان کفش یا حتی اسامی و اشکال اولیه آن در دنیا بوده‌اند...



این که بگوییم چه کسانی یا فرهنگ‌ها و کشورهایی اولین استفاده‌کنندگان کفش یا حتی اسامی و اشکال اولیه آن در دنیا بوده‌اند، شاید نه فایده‌ای داشته باشد و نه دستمان را به جایی درست، معتبر و قابل اطمینان بند کند، اما چنان که از نوشتارهای باستان‌شناسی یا حتی گفته‌ها و نوشته‌هایی پراکنده برمی‌آید از دیر زمان در میان انسان‌ها و فرهنگ‌ها و کشورهایی چند، انواع پوشینه‌ها (یا به بیان امروزی کفش‌ها) اغلب برای حفظ پا از سرما یا اجسام، بهتر راه رفتن و بهتر دویدن یا حتی مقاصد درمانی وجود داشته است و آدمیان زمانی چندان طولانی پابره‌نه نبوده‌اند.

تنها تفاوت شاید این باشد که آن کفش‌ها ساختاری بسیار ساده و ابتدایی داشته‌اند به عنوان مثال بستن ساقه‌های گیاهان یا پیچاندن کف به دور پا در زمان‌های قدیم‌تر و استفاده از چوب تراش‌خورده و چرم دباغی و مانند آن در سال‌های متأخر پدید آمده‌اند.

کفش چرمی با کفی علفی

بر اساس مدارک موجود تا همین چندی پیش، ظاهراً قدیمی‌ترین کفش کشف‌شده دنیا، کفش‌های مرد یخی معروف بود که حدود 3300 سال قدمت داشت (پیکر این مرد سال 1991 به گونه‌ای تصادفی در میان انبوهی از یخ در ارتفاعات 3200 متری مرز اتریش و ایتالیا کشف شد) اما به گفته رون پینهاسی، باستان‌شناس کالج کورک ایرلند، اکنون کفشی چرمی متعلق به 5500 سال پیش در یکی از غارهای ارمنستان، نزدیک منطقه مرزی ایران و ترکیه کشف شده که با بررسی و آزمایش بیشتر متوجه شده‌اند چند صد سال قدیمی‌تر از کفش مرد یخی بوده و به همین دلیل می‌توان عنوان قدیمی‌ترین کفش جهان را تاکنون به این کفش جدید داد.

چنان که در مجله اینترنتی کتابخانه عمومی علوم آمریکا ذکر شده، کفش کشف شده در نزدیکی مرز ایران و ارمنستان، از یک تکه چرم تهیه شده و به گفته عضو تحقیق آن، پُر از علف‌های خشک بوده است که معلوم نیست برای گرم نگه داشتن پا به کار می‌رفته یا فقط برای فرم دادن و قالب گرفتن کفش. علاوه بر این، حتی نمی‌توان دانست این کفش از آن زنی بوده یا مردی، اما دست‌کم و بر اساس ساینبدی کفش‌های اروپایی، معلوم است که شماره یا اندازه آن 37 بوده است!

کفش طبی در مقبره فرعون

از سوی دیگر، برخی معتقدند 5000 سال پیش مصری‌ها چیزی به دور پاهایشان می‌پیچیده‌اند که گرچه نمی‌توان به آن کفش گفت، اما به هر حال پوششی برای محافظت از پاهایشان بوده است. با وجود این، باستان‌شناسان همین یکی دو سال قبل با بررسی تصاویر رایانه‌ای از کفش‌های موجود در مقبره فرعون جوان مصر، یعنی توتانخامون و بازبینی عکس‌های رادیولوژی از مومیایی وی متوجه شده‌اند که این فرعون کفش‌هایش را برای غلبه بر معلولیت پاهای خود به پا می‌کرده است. بنابراین می‌توان با توجه به این کفش‌ها به سرنخی از اولین کفش‌های طبی جهان نیز رسید.

این باستان‌شناسان با دقت بر کوتاه‌تر بودن انگشت دوم پای راست مومیایی عضو خاندان فراعنه و نبود استخوان میانی در پای او، تأکید کرده‌اند که پای چپ وی نیز متمایل به داخل بوده و از همین رو کفش‌های یادشده حکم کفش طبی بندگان را برای او داشته است (البته برخلاف مقبره فراعنه دیگر در مقبره فرعون جوان، ده‌ها جفت کفش دیگر اعم از صندل و بندگان نیز پیدا شده است).

نقش فرهنگ و مذهب

دسته‌ای دیگر از علاقه‌مندان مباحث تاریخی هم هستند که تغییر شکل صندل‌های بی‌بند یا بندگان را به کفش‌هایی کاملاً پوشیده و دارای روبه به قرون چهارم و پنجم میلادی و همزمان با انتقال امپراتوری روم به بیزانس نسبت می‌دهند. بر این اساس، گفته می‌شود تفکرات و اعتقادات مذهبی که مبتنی بر لزوم پوشیدگی پا بوده، سبب تغییر شکل کفش‌ها در سرزمین‌های غربی و پدید آمدن و استفاده از قالب‌ها و کفش‌های روبسته به جای کفش‌های شبیه صندل شده است.

بر اساس سنتی عجیب، نوعی کفش در چین قدیم رواج داشته به نام لوتوس. باور برخی جستجوکنندگان در تاریخ کفش این است که چینی‌های قدیم معتقد بودند فرزند دخترشان باید پاهای خود را در آن کفش‌ها طوری جای دهد که ظرافت آن تا سال‌ها حفظ شود. این کفش با فشاری که به پا وارد می‌کرد، مانع رشد مناسب آن می‌شد، اما پوشیدنشان تا دیر زمان همچنان ادامه داشت.

اصل کاربرد و دسترسی به منابع

بسته به این‌که از پوشش پا چه انتظاری می‌رفته است یا درآمد و میزان دسترسی به سازندگان کارآمدتر کفش چقدر بوده است، پیشینیان کفش‌پوش، معمولاً کفش‌هایشان را خود می‌ساخته‌اند. اگر در مزارع کار می‌کرده‌اند، از ساقه گیاهان، اگر شکارچی بوده‌اند، از پوست شکار و اگر در جنگل بوده‌اند، از چوب درختان و وسایل در دسترس خود محافظی برای پاهایشان می‌ساخته‌اند. یکی از این کفش‌های ابتدایی و جالب در نوع خود، کفشی زنانه و به جا مانده از سده شانزدهم میلادی است. این کفش که فقط با موی طبیعی انسان ساخته شده، چندی پیش در نمایشگاهی با همکاری موزه نورث امپتون و گالری هنر انگلستان به تماشا گذاشته شد.

در بلاد شرقی و بخصوص اسلامی، مواد در دسترس افراد، الیاف درختان و گیاهان، چرم‌های دباغی شده حاصل از حیوانات و مانند آنها بوده است که تهیه کنندگان کفش و پای‌پوش به عنوان جنس اصلی تهیه کفش از آنها بهره می‌برده‌اند. کفشی روسی به نام لاپتی نمونه‌ای از انواع کفش‌های حصیری است که مردم اسلاو و نواحی بالتیک و همچنین ساکنان مناطق جنگلی به پا می‌کردند. وفور درختان غان و توان مالی اندک باعث شده بود پوست و الیاف این درخت‌ها ماده اولیه و وسیله مناسبی برای ساخت کفش در آن نواحی باشد. البته برخی باستان‌شناسان معتقدند استفاده از این نوع کفش‌های بافته یا ساخته از حصیر و الیاف نه مختص مردم بلاد روس که در زمان‌های ماقبل تاریخ هم مرسوم و رایج بوده است.

در ژاپن نوعی صندل زنانه به نام اکیبو استفاده می‌شد که تا 14 سانتی‌متر ارتفاع داشت و از تراشیدن چوب درختان به گونه‌ای خاص و اتصال سه قسمت از نوار یا بندی هفت شکل به آن تهیه می‌شد. کاربرد آن نیز جلوگیری از کشیده شدن لباس‌های بلند سنتی و گرانیقیمت اشراق بود.

در حدود اواخر قرن هجدهم و ابتدای قرن نوزدهم میلادی شکل کفش‌ها از انحصار طبقات مرفه خارج شد و با هنر و طراحی درآمیخت تا راه تجارت اصولی در این زمینه شکلی گسترده‌تر گیرد و راه تولید کفش‌های بهتر، شیک‌تر، گران‌تر یا ارزان‌تر و رقابتی باز شود.

ورود مد به حیطة تولید کفش، برداشت و نوع نگاه به وسیله‌ای که روزگاری فقط حکم حفاظت از پا را داشت، دگرگون کرد. می‌گویند چینی‌ها در روزگاران کهن، پا را قلب دوم و منبعی متصل به احساسات خود می‌دانستند! نقاطی از کف پا را هم مشخص کرده، هر نقطه خاص را به یکی از حواس پنجگانه مرتبط می‌دانستند، اما با ورود مد، می‌شد در غرب و اروپا افرادی را دید که به هر زحمتی بود، سعی می‌کردند انگشتان این قلب دوم را چنان تحت فشار پنجه‌های نوک تیز یا رویه‌های باریک کنند که کفش چند صباح مُد شده آنها شخصیت و اعتبارشان را حفظ کند!

درست است که طبق سطور بالاتر، کفش‌های باریک و نوک تیز دیر زمانی در چین و میان دختران استفاده می‌شد، اما مد کفش نه در شرق که در غرب آن، یعنی اروپا زاده شد. کفش‌های نوک تیز یک زمان مبنای اعتبار افراد بودند و زمانی دیگر بسرعت از اعتبار می‌افتادند و جایشان را به کفش‌های پهن می‌دادند. کفش‌های پهن به همان سرعتی که آمده بودند از دور خارج می‌شدند و کفش‌هایی با ویژگی‌های دیگر می‌آمدند و چند صباحی پُرطرفدار می‌شدند. به همین منوال گاهی انواع و اقسام رنگ‌ها، طرح‌ها و کفش‌ها رنگ می‌گرفتند و رنگ می‌باختند تا این‌که اواخر قرن نوزدهم خرید و پوشیدن کفش بر اساس مد فراگیر شد.

ورود #171;برند»

تغییر رنگ و طرح، تنها ارمغان ورود مد به دنیای کفش نبود. مد، #171;برند» را نیز در پی آورد. مد و برند، از یک سو سبب رونق، اشتغال، توسعه صنعت و تجارت کفش و به واسطه اینها تولید کفش‌هایی راحت‌تر، ارزان‌تر و باکیفیت‌تر شد و از سوی دیگر باعث مصرف‌گرایی پرهزینه، دامن‌زدن به جامعه طبقاتی و بیشتر شدن شکاف میان متمول و کم‌بضاعت، از بین رفتن سریع‌تر منابع دخیل و مرتبط با تولید و همچنین تغییر نگاه عام به کاربرد کفش، حتی فقط به معنای تولید محصولات گرانبیشتیمت نمایشی و فخرفروشانه محض شد.

در پیروی از مد، عوامل بسیاری دخیل بودند. به عنوان مثال در آغاز جنگ جهانی پوتین‌ها و کفش‌های راحتی هواداران زیادی داشت، زیرا در آن شرایط جایی برای پوشیدن کفش‌های پاشنه بلند نبود. در قرون نزدیک به ما، پیشرفت‌های پدید آمده در راهسازی و حمل و نقل، گسترش تجارت جهانی را سبب شد و محصولاتی چون کفش راحت‌تر از قبل، از این نقطه دنیا به نقطه‌ای دیگر فرستاده و گسترانده شد. با این حساب، دیگر جای کفش‌هایی که با برگ و ریشه درختان و گیاهان تهیه می‌شد، حتی حریر و چرم هم به جنسی معمولی تبدیل شد. بنابراین از نظر جنس، جادادن یاقوت و الماس هم در تولید کفش راه یافت. اینجا درست همان جایی است که می‌توان خبرهایی خواند درباره فلان کفش یاقوت‌نشان فلان شخص در یک سو و از سوی دیگر چشم به مردمانی در هند و اوگاندا دوخت که هنوز همچون اجداد پیشینمان پابرهنه به این سو و آن سو می‌دوند.

پیشینه کفش در ایران

نه تنها در تصاویر و مینیاتورهای ایرانی عهد صفوی می‌توان سوارکارانی را حین شکار مشاهده کرد که با کفش‌های پاشنه‌دار و ساق‌های برکشیده تا نزدیک زانوان روی اسب‌ها نشسته، در حال شکار آهو یا بازی چوگان هستند، بلکه در نقوش برجسته سنگی از دوران باستان هم می‌توان رد و اثر این کفش‌ها را میان سربازان و شاهان دید. بر اساس این تصاویر برجامانده از کتیبه‌ها و نقوش سنگی تخت‌جمشید، مادها نخستین اقوام ایرانی‌اند که سند و مدرکی از پوشیدن کفش در اختیار ما گذاشته‌اند؛ کفش‌هایی به احتمال قریب به یقین از جنس چرم که هنوز هم مناسب‌ترین جنس کفش در جهان پنداشته می‌شود. پژوهشگران می‌گویند اگر کفش‌های شاهان هخامنشی را دیده باشید، رنگ قرمزشان جلب توجه می‌کند، حال آن‌که در معماری‌های خشتی و لعابی شوش، رنگ کفش کمانداران زرد است.

در منابعی نیز می‌توان نشانه‌هایی از کفش ماهیگیران ایرانی جست که چکمه‌هایی جلوبسته می‌پوشیده‌اند با لبه‌هایی که به سمت زانو برمی‌گشته. موبدان را می‌توان در الواح گنجینه جیحون و آتشکده کاپادوکیه دید که چکمه‌هایی بلند با زیره‌های ضخیم و پاشنه‌های کم و بیش بلند به پا دارند.

باستان‌شناسان در کندوکاوهای خود دو لنگه کفش بچگانه هم در اصفهان یافته‌اند که به گفته آنها، دومین و سومین کفش قدیمی کشف شده در ایران است. ترنر ویل کاکس در کتاب تاریخ لباس خود از روش‌های تزئین کفش در دوره هخامنشیان یاد کرده که بیانگر استفاده از مروارید و سنگ‌های گرانبها در کفش‌هاست. با استناد به نوشته‌ای از ایرانیکا، طی دوران صفویه و قاجار، روستاییان پاهایشان را در نوارهایی از کتان می‌پیچیدند و کفش‌هایی تخت به پا می‌کردند که با بندهایی به زیره‌های چرمی «چاروت؛ نام به رنگ سبز متصل شده بود. بر عکس آنها، در حوالی کردستان نخ و کنف جنس اغلب کفش‌ها را تشکیل می‌داده و گیوه، کفشی رایج‌تر به شمار می‌رفته است. در همین زمان، مردم مناطق گرمسیر جنوب از برگ نخل برای تهیه کفش بهره می‌بردند.